

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره نوزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۲ (پیاپی ۳۸)
(ویژه نامه حسابداری)

بررسی میزان کاربرد برخی فن آوری‌های مدیریت مالی
در شرکت های تحت پوشش دولت و شناسایی تنگناهای موجود

دکتر فرزانه نصیرزاده*

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

امروزه، سازمان‌ها از اطلاعات و روش های متعددی در انجام وظایف مدیریتی و استفاده بهینه از منابع استفاده می کنند. یکی از مهمترین ابزار، تهیه اطلاعات مدیریت مالی است که وظیفه آن تأمین نیازهای اطلاعاتی مدیران سطوح مختلف، در زمینه های برنامه ریزی و کنترل منابع، ارزیابی عملکرد و تصمیم گیری است. اهمیت نظام مدیریت مالی در اداره شرکت‌ها، انجام تحقیقات علمی را در این زمینه توجیه می نماید. هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی کاربرد مدیریت مالی در شرکت‌های تحت پوشش دولت در ایران می باشد. این تحقیق با نگرشی ویژه به بررسی میزان کاربرد روش های مدیریت مالی در زمینه های متنوع می پردازد.

نتایج آزمون فرضیات حاکی از آن است که شرکت‌های تحت پوشش دولت، جهت پیش بینی متغیرهای مالی، از روش های صورت‌های مالی مقایسه ای، بررسی روند و تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی استفاده می کنند و برای ارزیابی طرح های بلند مدت (سرمایه ای) نیز روش دوره بازافت سرمایه را به کار می گیرند. افزون بر این، جهت تأمین مالی بلند مدت، از دو روش افزایش سرمایه و استقراض استفاده می نمایند، لیکن در شرکت های یاد شده روش های صورت‌های مالی همگن شده، معکوس دوره بازافت سرمایه، نرخ بازده حسابداری، ارزش فعلی خالص، نرخ بازده داخلی، تجزیه و تحلیل حساسیت، حساسیت طرح و روش های تأمین مالی، از طریق انتشار اوراق مشارکت و عقد مضاربه با شرکت‌های دیگر به کار گرفته نمی شود.

تحقیق حاضر، همچنین دیدگاه مدیران مالی را در مورد میزان کاربرد و اهمیت روش های مدیریت مالی مشخص می نماید. افزون بر این، علل (موانع) عدم استفاده از روش های مدیریت مالی را، از دیدگاه مدیران مالی مورد شناسایی قرار می دهد. بدیهی است، شناسایی موانع یاد شده، زمینه ساز ایجاد بستر لازم برای به کارگیری روش‌های یاد شده خواهد بود.

واژه های کلیدی: ۱. مدیریت مالی ۲. صورت‌های مالی مقایسه‌ای ۳. صورت‌های مالی همگن شده ۴. نسبت‌های مالی ۵. تجزیه و تحلیل حساسیت ۶. شرکت های تحت پوشش دولت

۱. مقدمه

امروزه در نتیجه به کارگیری فن آوری پیشرفته، در کلیه زمینه‌ها، از جمله در نظام‌های اطلاعاتی، نیاز به داشتن اطلاعات مناسب و به موقع به منظور برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کوتاه مدت و بلند مدت اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده

است. از این رو بهره‌برداری از نظام مدیریت مالی به روشی که بتواند نیازهای مدیریتی را همگام با دگرگونی‌های جدید، در زمینه برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلند مدت پاسخگو باشد، به صورت یک ضرورت در آمده است. از آن جایی که به کارگیری نظام، یاری دهنده مدیریت در هدایت امور عملیاتی و اجرایی است، شناسایی شرایط موجود در خصوص استفاده از این علم کاربردی، می‌تواند نقطه شروع برای پرداختن به جوانب متعدد کاربرد مدیریت مالی و استفاده از ابزارهای آن باشد.

این تحقیق چهار هدف اساسی را دنبال می‌کند که عبارتند از:

۱. شناسایی میزان استفاده از روش‌های مدیریت مالی، در شرکت‌های تحت پوشش دولت^۱.
۲. شناسایی میزان استفاده از روش‌های مدیریت مالی، از دیدگاه مدیران مالی در شرکت‌های تحت پوشش دولت.
۳. شناسایی دیدگاه مدیران مالی، در خصوص میزان اهمیت روش‌های مدیریت مالی در شرکت‌های تحت پوشش دولت.
۴. شناسایی علل (موانع) عدم استفاده از روش‌های مدیریت مالی در شرکت‌های تحت پوشش دولت.

۲. فرضیات تحقیق

همان‌گونه که اشاره شد، هدف اصلی این تحقیق، شناسایی میزان کاربرد روش‌های مدیریت مالی در شرکت‌های تحت پوشش دولت است. از آن جایی که این روش‌ها متعدد و متنوع هستند، زمینه‌های متداول‌تر شامل روش‌های پیش‌بینی متغیرهای مالی، روش‌های ارزیابی طرح‌های بلند مدت (سرمایه‌ای) و تأمین مالی بلند مدت، شناسایی گردیدند. سپس رایج‌ترین روش‌ها در هر یک از زمینه‌های موضوع فرضیات تحقیق به طور مستقل از یکدیگر مورد آزمون قرار گرفتند. این فرضیات به سه گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

گروه اول: روش‌های مربوط به پیش‌بینی متغیرهای مالی

۱. در خصوص پیش‌بینی متغیرهای مالی، شرکت‌های تحت پوشش دولت از صورت‌های مالی مقایسه‌ای استفاده می‌کنند.
۲. در خصوص پیش‌بینی متغیرهای مالی، شرکت‌های تحت پوشش دولت از بررسی روند استفاده می‌کنند.
۳. در خصوص پیش‌بینی متغیرهای مالی، شرکت‌های تحت پوشش دولت از صورت‌های مالی همگن شده استفاده می‌کنند.
۴. در خصوص پیش‌بینی متغیرهای مالی، شرکت‌های تحت پوشش دولت از تحلیل نسبت‌های مالی استفاده می‌کنند.
- گروه دوم: روش‌های مربوط به ارزیابی طرح‌های بلند مدت (سرمایه‌ای)
۵. در خصوص ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از روش دوره بازافت سرمایه استفاده می‌کنند.
۶. در خصوص ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از روش معکوس دوره بازافت سرمایه استفاده می‌کنند.
۷. در خصوص ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از روش نرخ بازده حسابداری استفاده می‌کنند.
۸. در خصوص ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از روش ارزش فعلی خالص استفاده می‌کنند.
۹. در خصوص ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از روش نرخ بازده داخلی استفاده می‌کنند.
۱۰. در خصوص ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از روش تجزیه و تحلیل حساسیت استفاده می‌کنند.

۱۱. در خصوص ارزیابی موفقیت طرح‌های بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از حسابرسی طرح عملیاتی استفاده می‌کنند.
- گروه سوم: تکنیک‌های مربوط به تأمین مالی بلند مدت
۱۲. در خصوص تأمین مالی بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از روش افزایش سرمایه استفاده می‌کنند.
۱۳. در خصوص تأمین مالی بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از روش استقراض (به طور اعم) استفاده می‌کنند.
۱۴. در خصوص تأمین مالی بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از انتشار اوراق مشارکت (به طور اخص) استفاده می‌کنند.
۱۵. در خصوص تأمین مالی بلند مدت، شرکت‌های تحت پوشش دولت از عقد مضاربه با شرکت‌های دیگر استفاده می‌کنند.

۳. پیشینه موضوع

از آن جایی که روش‌های مورد بررسی از قدمت طولانی برخوردار هستند، بدیهی است که تحقیقات انجام شده در این مقوله نیز از وسعت و تنوع زیادی برخوردار می‌باشند. پس به منظور مروری اجمالی بر تحقیقات انجام شده، می‌توان تحقیقات را بر اساس ماهیت موضوعی به سه گروه تقسیم نمود که شامل تحقیقات مربوط به روش‌های پیش بینی مالی، روش‌های ارزیابی طرح‌های بلند مدت (سرمایه‌ای) و روش‌های تأمین مالی بلند مدت است. تحقیقات مربوط به روش‌های پیش بینی مالی به طور عمده پیرامون نسبت‌های مالی هستند که در این خصوص می‌توان از تحقیق گیسون در سال ۱۹۸۲ نام برد که هدف آن، بررسی میزان کاربرد نسبت‌های مالی در شرکت‌های آمریکایی بود (فوستر، ۱۹۹۰). نتایج این تحقیق نشان داد که نسبت‌های بازده حقوق صاحبان سهام، حاشیه سود و نسبت جاری بیشترین کاربرد را داشته‌اند. این نتایج در تحقیق ویلیامسون در سال ۱۹۸۴ نیز به تأیید رسید (فوستر، ۱۹۹۰). علاوه بر این گیسون در مورد مقایسه نسبت‌های مالی شرکت‌های مختلف اظهار داشت که این مقایسه باید با احتیاط صورت گیرد و بایستی در مورد یک نواختی نحوه محاسبه نسبت‌ها اطمینان حاصل شود؛ زیرا در غیر این صورت معنی و مفهوم مقایسه از بین می‌رود.

افزون بر این والش در سال ۱۹۸۴، به بررسی دیدگاه مدیران در مورد کاربرد نسبت‌های مالی پرداخت (فوستر، ۱۹۹۰). تحقیق او اهداف متعددی را دنبال می‌کرد؛ از جمله بررسی میزان کاربرد نسبت‌های مالی و بررسی دیدگاه مدیران در خصوص اولویت بندی نسبت‌ها بر حسب اهمیت آن‌ها بود. با مراجعه به نتایج تحقیق، مشخص می‌گردد که نسبت‌های مربوط به بازده سرمایه‌گذاری، سود خالص و نسبت‌های بدهی، بیشترین کاربرد را داشته‌اند. افزون بر این، نتایج نظرخواهی از مدیران نیز حاکی از آن است که نسبت بازده سرمایه‌گذاری و سود خالص بیشترین اولویت را داشته‌اند.

در خصوص روش‌های ارزیابی طرح‌های سرمایه‌ای نیز طی سه دهه اخیر، تحقیقات متعددی انجام شده که هدف آن‌ها عمدتاً شناسایی نقش معیارهای کمی و کیفی، در ارزیابی طرح‌ها، شناسایی میزان کاربرد روش‌های ساده و پیشرفته و در نهایت شناسایی متداولترین روش‌های استفاده شده است.

در میان اولین تحقیقاتی که در سه دهه اخیر در مورد کاربرد روش‌های ارزیابی طرح‌های سرمایه‌ای انجام شده، می‌توان تحقیق هوپ و کارسبرگ را در سال ۱۹۷۵ نام برد که هدف آن شناسایی متداولترین روش‌ها برای ارزیابی طرح‌های سرمایه‌ای بود (آرنولد و همکاران، ۱۹۹۳). نتایج این تحقیق نشان داد که متداولترین روش‌های استفاده شده، به ترتیب شامل قضاوت‌های شخصی، نرخ بازده داخلی، دوره بازبافت سرمایه، ارزش فعلی خالص و نرخ بازده حسابداری است. مشاهده نتایج حاصله نشانگر برتری قضاوت‌های شخصی نسبت به معیارهای کمی است.

تحقیق دیگری که در این زمینه انجام شده، مربوط به پیک در سال ۱۹۸۲ است (آرنولد و همکاران، ۱۹۹۳). هدف این تحقیق نیز شناسایی متداولترین روش‌های ارزیابی همراه با نظرخواهی در مورد میزان اهمیت روش‌ها بود.

نتایج این تحقیق به میزان قابل توجهی با یافته های کارسبرگ و هوپ مطابقت دارد و برتری قضاوت های شخصی را نسبت به روش های کمی تأیید می نماید. افزون بر این، به کارگیری روش های کمی نیز تأیید شده؛ اما از نظر اولویت با طبقه بندی ارایه شده توسط کارسبرگ و هوپ تفاوت دارد و به ترتیب شامل دوره بازافت سرمایه، نرخ بازده داخلی، نرخ بازده حسابداری و ارزش فعلی خالص است. در هر دو تحقیق مشخص گردید که تصمیم گیرندگان روش نرخ بازده داخلی، را نسبت به روش ارزش فعلی خالص ترجیح می دهند و در مواردی که برای ارزیابی، روش های متعدد را به صورت توأم به کار می برند، روش نرخ بازده داخلی متداول ترین روش استفاده شده است.

کیم و سونگ در سال ۱۹۹۰ نیز به مطالعه تطبیقی معیارهای ارزیابی سرمایه گذاری و شرکت های آمریکایی، کره ای و ژاپنی پرداختند. هدف این تحقیق شناسایی نقش معیارهای کمی و کیفی و تعیین میزان اهمیت آن ها در توجیه سرمایه گذاری ها بود. نتایج این تحقیق در مورد معیارهای کیفی نشان داد که شرکت های آمریکایی، کره ای و ژاپنی در توجیه سرمایه گذاری ها به معیارهای کیفی توجه دارند. این معیارها شامل راهبرد تولید، موقعیت رقابتی و بهبود اجرای عملیات (مانند کیفیت، چگونگی تحویل و ظرفیت تولید) است. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که در میان معیارهای کمی، استفاده از روش دوره بازافت سرمایه همه گیری داشته و در ۸۶٪ شرکت های ژاپنی، ۷۵٪ شرکت های کره ای و ۷۱٪ شرکت های آمریکایی، به عنوان معیار «بی اندازه با اهمیت» و یا «بسیار با اهمیت» به کار گرفته شده است.

نتایج تحقیق در مورد به کارگیری دیگر روش های کمی شامل نرخ بازده حسابداری، ارزش فعلی خالص و نرخ بازده داخلی نشان می دهد که درصدهای مشابهی از شرکت های کره ای و آمریکایی از این روش ها استفاده می کنند؛ اما شرکت های ژاپنی از روش های تنزیل جریان های نقدی چندان استفاده نمی کنند.

پیک (۱۹۹۶) در تحقیق دیگری که در زمینه بودجه بندی سرمایه ای انجام داد، ضمن به تصویر کشیدن وضعیت جاری، به دنبال شناسایی روند بودجه بندی سرمایه ای بود. از این رو، تحقیق خود را در یک دوره ۱۷ ساله با فاصله های زمانی حدود پنج سال، بین سال های (۱۹۹۲-۱۹۷۵) در مورد ۱۰۰ شرکت بزرگ انگلیسی انجام داد. نتایج تحقیق نشان می دهد که طی دوره مورد بررسی، قریب به همه شرکت ها، ارزیابی مالی را به طور رسمی انجام داده اند. همچنین استفاده از روش های نرخ بازده داخلی و ارزش فعلی خالص نیز به خوبی تأیید شده است. در دوره مورد بررسی، بالاترین نرخ رشد نیز متعلق به روش ارزش فعلی خالص بوده است. نکته قابل توجه این که علیرغم کاربرد فزاینده روش های تنزیل جریانات نقدی، روش دوره بازافت سرمایه همچنان به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته و به عنوان گسترده ترین روش رسمی در ۹۴٪ شرکت های مورد بررسی به کار رفته است؛ البته این روش، به ندرت به عنوان روش اولیه در ارزیابی سرمایه گذاری ها استفاده شده و به روش معمول به عنوان روش دوم به صورت مکمل روش های تنزیلی استفاده گردیده است. همچنین بر اساس نتیجه های حاصل مشخص گردید که فقط تعداد معدودی از شرکت ها برای ارزیابی طرح های سرمایه ای خود، از یک روش استفاده می کنند و بقیه ترجیح می دهند روش های متعدد را به طور توأم به کار گیرند.

از دیگر تحقیقاتی که در سال های اخیر در مورد روش های ارزیابی طرح های سرمایه ای انجام شده، تحقیق آرنولد و هاتزوپولوس (۱۹۹۸) است. هدف این تحقیق نیز بررسی میزان کاربرد روش های ارزیابی طرح های سرمایه ای است. نتیجه های این تحقیق با یافته های پیک (۱۹۹۲-۱۹۷۵) به میزان قابل توجهی مطابقت دارد و آشکار کننده این است که علیرغم کاربرد فزاینده روش های جریان های نقدی تنزیل شده، روش دوره بازافت سرمایه همچنان به طور وسیع مورد استفاده قرار می گیرد و این بدان معنا است که روش های تنزیلی به جای آن که جایگزین روش های سنتی شوند، مکمل آن ها شده اند.

در مورد کاربرد حسابرسی طرح نیز تحقیقات متعددی انجام شده؛ از جمله، تحقیقی که توسط نیل در سال ۱۹۹۱ انجام گردید. هدف این تحقیق بررسی میزان کاربرد و شیوه اجرای حسابرسی طرح در شرکت ها بود. نتیجه های تحقیق حاکی از آن است که همه روش مند، های کنترلی در سطح گسترده به کار رفته اند و نرخ به

کارگیری حسابرسی طرح نیز طی سال های (۱۹۹۰-۱۹۸۶) افزایش یافته است و این روند افزایشی، به وسیله تحقیقات پیک نیز تأیید شده است.

در خصوص روش های تأمین مالی نیز تحقیقاتی انجام شده که هدف آن ها در اصل شناسایی منابع مختلف تأمین مالی و میزان کاربرد آن ها در شرکت ها است. از جمله تحقیق ساینگ (۱۹۹۵) که به بررسی منابع تأمین مالی شرکت ها در کشورهای برزیل، هندوستان، اردن، مالزی، مکزیک، پاکستان، کره جنوبی، ترکیه و زیمباوه پرداخته است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که در فاصله سال های (۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰) شرکت ها به طور متوسط $\frac{1}{3}$ منابع مالی مورد نیاز خود را از طریق منابع داخلی و بقیه را از منابع خارجی تأمین نموده اند و در ترکیب منابع مالی خارجی نیز استفاده از افزایش سرمایه نزدیک به دو برابر بدهی بلند مدت است.

راجان و زینگالس (۱۹۹۵)، نیز طی سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ به تجزیه و تحلیل روش های تأمین مالی شرکت ها در هفت کشور صنعتی جهان شامل آمریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه، ایتالیا، انگلستان و کانادا پرداخته اند. نتایج نشان داد که کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه، ایتالیا، انگلستان و کانادا از منابع مالی داخلی، بیشتر از منابع مالی خارجی استفاده می کنند؛ اما در ژاپن شرکت ها بیشتر از منابع خارجی استفاده می کنند.

آرنولد (۱۹۹۸) نیز در مورد روش های تأمین مالی شرکت های انگلیسی، تحقیقی را انجام داد و هدف او شناسایی روش های مختلف تأمین مالی و بررسی میزان کاربرد این روش ها در شرکت های انگلیسی بود؛ برای این منظور یک دوره زمانی ده ساله بین سال های (۱۹۸۶ الی ۱۹۹۶) را مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد که در شرکت های انگلیسی، مهمترین منبع تأمین مالی، وجوه داخلی (۵۱٪) است و بعد از آن، تأمین مالی از طریق سایر منابع (وجوه خارجی) مانند اخذ وام از مؤسسه های مالی غیر بانکی، وام و هدایای دولت و تأمین مالی از مؤسسه های خارجی بیشترین کاربرد را داشته است و پس از آن به ترتیب، انتشار سهام عادی، استقراض از بانک ها و انتشار اوراق قرضه و سهام ممتاز مورد استفاده قرار گرفته است.

۴. روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق را شرکت های تحت پوشش دولت تشکیل می دهند که در برگیرنده شرکت های تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران (۶۵ شرکت)، شرکت های تحت پوشش بانک صنعت و معدن (۵۷ شرکت) و شرکت های تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (۹۷ شرکت) است که در مجموع، ۲۱۹ شرکت را شامل می شود. همان گونه که اشاره شد، این تحقیق اهداف متعددی را دنبال می کند و به منظور تحقق هر یک از هدف ها، روش های تحقیق به شرح ذیل استفاده گردید:

در خصوص هدف اول که شناسایی میزان استفاده از روش های مدیریت مالی است، از روش بررسی میدانی^۳ استفاده شد و برای این منظور، پس از شناسایی شرکت هایی که آمادگی خود را برای مشارکت در انجام این پژوهش اعلام داشتند، به محل شرکت مراجعه شد تا نمونه های استفاده از روش های مورد نظر مشاهده گردد. پس از انجام هماهنگی های لازم، در زمان های مشخص، به واحدهای مربوطه (نوعاً بایگانی و یا واحدهای دیگر با عناوین مشابه) مراجعه و مستندات داخلی شرکت مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش از تحقیق، متدولوژی بدین گونه تعریف شد که «وجود» مستندات به معنی استفاده از روش های مورد نظر و «عدم وجود» مستندات به منزله عدم به کارگیری آن ها (روش های مورد نظر) خواهد بود.^۴

برای دومین هدف که شناسایی دیدگاه مدیران مالی در خصوص میزان کاربرد روش های مدیریت مالی بود، استفاده از پرسشنامه کتبی برای جمع آوری اطلاعات مربوط به دیدگاه و برداشت مدیران مالی مناسب تشخیص داده شد. از این رو، پرسشنامه ای تدوین و از مدیران مالی خواسته شد «برداشت» خود را در مورد «استفاده» یا «عدم استفاده» از روش های مورد نظر در شرکت هایشان تعیین نمایند.

یکی از جذابیت های هدف یاد شده، توان مقایسه پاسخ های مدیران مالی بر مبنای «برداشت» آن ها از میزان به کارگیری روش ها و نتایج حاصل از بررسی میدانی است. بدین ترتیب یکی از اهداف ضمنی این تحقیق، شناسایی شکاف^۵ احتمالی بین «ذهنیت» مدیران مالی از عینیت، خود «عینیت» است؛ برای این منظور بایستی یافته های بررسی میدانی و پرسشنامه کتبی مورد مقایسه تطبیقی قرار گیرند تا مشخص گردد که آیا فاصله ای بین باور مدیران مالی در خصوص به کارگیری روش ها و آنچه در عینیت مشاهده شده وجود دارد یا خیر.

سومین هدف این تحقیق نیز شناسایی میزان اهمیت روش های مورد نظر از دیدگاه مدیران مالی بود. کسب نظر آن ها از طریق پرسشنامه صورت گرفت و از مدیران مالی درخواست گردید که اعتقاد شخصی خود را در خصوص «اهمیت» هر یک از روش ها بر اساس مقیاس ۵ رتبه ای لیکرت بیان نمایند. تحلیل آماری این قسمت از پرسشنامه، نشان خواهد داد که کدام یک از روش ها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. پس انتظار می رود روش هایی که به عنوان «بی اهمیت» یا «کم اهمیت» ارزیابی می شوند، در عمل نیز کاربرد نداشته باشند، در مقابل، دیگر روش ها در عمل مورد استفاده قرار گیرند. برای این منظور بایستی بین نتایج هدف دوم و سوم بررسی مقایسه ای صورت گیرد تا سازگاری یا عدم سازگاری نتایج با یکدیگر مشخص گردد.

آخرین هدف این تحقیق شناسایی علل (موانع) عدم استفاده از روش های مدیریت مالی در شرکت های تحت پوشش دولت است و برای نیل به آن، ۲۹ عامل به عنوان موانع احتمالی شناسایی و در بخش مستقلی از پرسشنامه مورد نظر خواهی قرار گرفت و از مدیران مالی خواسته شد نظرات خود را در خصوص «اهمیت» هر یک از موانع پیشنهادی، بر اساس مقیاس ۵ رتبه ای لیکرت مشخص نمایند.

۵. جمع آوری اطلاعات

همان گونه که اشاره شد اطلاعات مورد نیاز این تحقیق، با استفاده از بررسی میدانی (مشاهده عینی) و پرسشنامه کتبی جمع آوری شد. برای آزمون فرضیات تحقیق (هدف اصلی) از روش بررسی میدانی و برای تحقق دیگر اهداف تحقیق از پرسشنامه کتبی استفاده شد. برای شناسایی شرکت هایی که در خصوص اجرای بررسی میدانی و در اختیار گذاشتن مستندات داخلی موافقت خواهند نمود، در نامه همراه پرسشنامه از پرسش شوندگان درخواست گردید که آمادگی خود را برای بررسی میدانی اعلام نمایند. در این خصوص، از مجموع ۱۰۶ شرکتی که اقدام به تکمیل پرسشنامه نموده بودند، ۴۵ شرکت، آمادگی خود را اعلام کردند. بدین ترتیب اطلاعات حاصل از این ۴۵ شرکت مبنای رد یا قبول فرضیات تحقیق قرار گرفت.

در خصوص دیگر اهداف تحقیق، جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه کتبی صورت گرفت. برای تعیین قابلیت اطمینان (پایایی) پرسشنامه از روش «دو نیمه کردن» استفاده شد. به این صورت که پاسخ ها به دو نیمه (زوج/فرد) تقسیم شدند آن گاه ضریب همبستگی بین پاسخ های موجود در یک نیمه با نیمه دیگر محاسبه گردید. در تحقیق حاضر ضریب پایایی به دست آمده ۸۹۹۱٪ بود که بر مبنای این نتیجه، می توان قابلیت اطمینان پرسشنامه را نتیجه گرفت. اعتبار ساختاری پرسشنامه نیز به استناد «نظرات متخصصان» تأیید شد و اعتبار محتوایی آن به کمک روش «آلفا کرونباخ»^۷ بررسی گردید. به این صورت که به کمک نرم افزار اس. پی. اس و روش آلفا کرونباخ درجه اعتبار پرسشنامه و درجه اعتبار هر یک از پرسش ها محاسبه گردید. از آنجایی که آلفا کرونباخ محاسبه شده ۹۳۴۵٪ بود می توان نتیجه گرفت که پرسشنامه از اعتبار محتوایی نیز برخوردار است.

جامعه آماری این تحقیق که شامل شرکت های تحت پوشش دولت بود، در مجموع ۲۱۹ شرکت را در بر می گرفت. با عنایت به درصد پس فرستاده شدن به نسبت پایین پرسشنامه های تحقیق در سه مرحله مستقل توزیع گردیدند تا از طریق مقایسه پاسخ های سه مرحله، بتوان برآوردی در خصوص احتمال الودگی نتایج نشأت گرفته از مشکل عدم فرستاده نشدن انجام داد. از مجموع پرسشنامه های توزیع شده، در مجموع ۱۰۶ پرسشنامه دریافت گردید که به منظور حصول اطمینان از این که پرسشنامه های پاسخ داده نشده، موجب الودگی اطلاعات و کاهش اعتبار نتایج تحقیق نشود، از آزمون تی. تست استفاده شد و نتایج به دست آمده در خصوص پرسش های پرسشنامه ها در نوبت اول

با دوم؛ اول با سوم و دوم با سوم مورد مقایسه آماری قرار گرفت. نتیجه حاصل از آزمون نشان داد که جدا از «روش‌های تأمین مالی» در سایر موارد، تفاوت معنی داری بین پاسخ‌های دریافت شده در نوبت‌های اول، دوم و سوم مشاهده نشد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که تحقیق از آلودگی ناشی از عدم پاسخ دادن به پرسشنامه‌ها دور است.

۶. تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار اس. پی. اس. اس استفاده شد و با توجه به تعدد اهداف و تنوع اطلاعات گردآوری شده، روش‌های آماری مناسب به شرح زیر به کار گرفته شد:

۱. برای آزمون فرضیات تحقیق در مورد «استفاده» یا «عدم استفاده» از هر یک از روش‌ها، روش آماری «توزیع دو جمله‌ای»^۱ در سطح اطمینان ۹۵٪ و ارزش مورد انتظار ۶۰٪ استفاده شد. برای این آزمون از شواهد عینی حاصل از ۴۵ بررسی میدانی استفاده گردید و کد «صفر» برای عدم وجود شواهد و کد «یک» برای وجود شواهد در مورد استفاده از روش‌ها به کار رفت.
۲. برای مقایسه نتایج بررسی میدانی (بر مبنای ۴۵ مشاهده عینی) و نتایج نظرخواهی (بر مبنای ۴۵ پرسشنامه) دال بر استفاده یا عدم استفاده از روش‌ها از آزمون تی. تست استفاده گردید.
۳. برای تحلیل آماری نتایج نظرخواهی در مورد «اهمیت» هر یک از روش‌ها از آمار توصیفی استفاده گردید و مبنای این تحلیل ۱۰۶ پرسشنامه دریافتی بود.
۴. برای تحلیل آماری نتایج نظرخواهی در مورد علل (موانع) عدم استفاده از روش‌ها نیز که در قالب مقیاس ۵ رتبه‌ای لیکرت بود از آمار توصیفی استفاده گردید.
۵. افزون بر این، برای دسته بندی روش‌ها و علل (موانع) عدم استفاده از تکنیک‌ها و شناسایی عوامل زیربنایی آن‌ها از روش تحلیل عاملی^۱ نیز استفاده شد.

۷. نتایج آزمون فرضیات

در این تحقیق، در مجموع ۱۵ فرضیه مورد آزمون قرار گرفت. این فرضیات در خصوص کاربرد روش‌های پیش‌بینی مالی (۴ فرضیه)، روش‌های ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت (۷ فرضیه) و روش‌های تأمین مالی (۴ فرضیه) است. برای آزمون فرضیات از روش آماری «توزیع دو جمله‌ای» در سطح اطمینان ۹۵٪ و ارزش مورد انتظار ۶۰٪ استفاده شد. یافته‌های این آزمون در جدول ۱ ارائه شده است.

بر اساس نتایج آزمون فرضیات، ۶ فرضیه تأیید و ۹ فرضیه رد شد. با توجه به فرضیات تأیید شده، مشخص گردید که شرکت‌های تحت پوشش دولت برای پیش‌بینی متغیرهای مالی، از صورت‌های مالی مقایسه‌ای، بررسی روند و تحلیل نسبت‌های مالی استفاده می‌کنند. همچنین در خصوص تصمیم‌گیری‌های بلندمدت روش دوره‌باز یافت سرمایه را به کار می‌گیرند. افزون بر این، از روش‌های افزایش سرمایه و استقراض برای تأمین مالی بلندمدت استفاده می‌کنند.

بر مبنای عدم تأیید دیگر فرضیات نیز مشخص گردید که شرکت‌های تحت پوشش دولت، برای پیش‌بینی متغیرهای مالی از صورت‌های مالی همگن شده استفاده نمی‌کنند. همچنین این شرکت‌ها روش‌های معکوس دوره‌باز یافت سرمایه، نرخ بازده حسابداری، ارزش فعلی خالص، نرخ بازده داخلی، تجزیه و تحلیل حساسیت و حساسی طرح را برای ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت به کار نمی‌گیرند. افزون بر این، جهت تأمین مالی بلندمدت نیز از انتشار اوراق مشارکت (با نگرش ویژه) و یا عقد مضاربه با شرکت‌های دیگر استفاده نمی‌کنند.

جدول ۱: نتایج آزمون توزیع دو جمله ای برای فرضیات تحقیق

فرضیات	در صد پاسخ های مثبت	در صد پاسخ های منفی	تأیید یا رد فرضیه
روش های پیش بینی مالی:			
صورت های مالی مقایسه ای	۰/۹۶	۰/۰۴	تأیید می شود
بررسی روند	۰/۸۲	۰/۱۸	تأیید می شود
صورت های مالی همگن شده	۰/۰۲	۰/۹۸	رد می شود
تجزیه و تحلیل نسبت های مالی	۰/۶۹	۰/۳۱	تأیید می شود
روش های ارزیابی طرح:			
معکوس دوره بازافت سرمایه	۰/۰۲	۰/۹۸	رد می شود
نرخ بازده حسابداری	۰/۲۴	۰/۷۶	رد می شود
ارزش فعلی خالص	۰/۱۸	۰/۸۲	رد می شود
نرخ بازده داخلی	۰/۱۸	۰/۸۲	رد می شود
تجزیه و تحلیل حساسیت	۰/۰۹	۰/۹۱	رد می شود
حسابرسی طرح	۰/۲۹	۰/۷۱	رد می شود
روش های تأمین مالی:			
افزایش سرمایه	۰/۸۴	۰/۱۶	تأیید می شود
استقراض (به طور اعم)	۰/۸۰	۰/۲۰	تأیید می شود
اوراق مشارکت (به طور اخص)	۰	۱۰۰٪	رد می شود
عقد مضاربه با شرکت های دیگر	۰/۱۱	۰/۸۹	رد می شود

همان گونه که در پیش اشاره شد، یکی از اهداف این تحقیق، نظر خواهی از مدیران مالی در خصوص میزان اهمیت روش های مدیریت مالی بود که بر اساس نتایج این نظر خواهی (پس از این ارایه خواهد شد) کلیه روش هایی که از اهمیت بالایی برخوردار بودند، در عمل نیز کاربرد داشتند و فرضیات مربوط به آن ها تأیید گردید.

۸. شناسایی دیدگاه مدیران مالی در مورد میزان استفاده از روش ها

دومین هدف تحقیق شناسایی دیدگاه مدیران مالی، در خصوص میزان استفاده از روش های مدیریت مالی بود که برای جمع آوری اطلاعات آن از پرسشنامه کتبی استفاده شد. نتایج نظر خواهی در جدول ۲ ارایه شده است. بر اساس نتایج حاصله، بیشترین میزان کاربرد مربوط به روش های صورت های مالی مقایسه ای، بررسی روند، تجزیه و تحلیل نسبت های مالی، دوره بازافت سرمایه، افزایش سرمایه و استقراض بود. لیکن دیگر روش ها شامل صورت های مالی همگن شده، معکوس دوره بازافت سرمایه، نرخ بازده حسابداری، ارزش فعلی خالص، نرخ بازده داخلی، تجزیه و تحلیل حساسیت، حسابرسی طرح انتشار اوراق مشارکت و عقد مضاربه با شرکت های دیگر در حد وسیع کاربرد نداشت.

همچنین برای مقایسه پاسخ های مدیران مالی بر مبنای «برداشت» آن ها از میزان به کارگیری روش ها و نتایج حاصل از بررسی میدانی، مقایسه تطبیقی بین نتایج مشاهده عینی و پرسشنامه کتبی صورت گرفت و برای تعیین وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار بین این نتایج، از آزمون تی - تست استفاده گردید. بر مبنای نتایج، می توان ادعا نمود که در سطح اطمینان ۹۵٪، بین نتایج بررسی میدانی و پرسشنامه کتبی، در خصوص میزان به کارگیری روش ها تفاوت معناداری وجود ندارد و سازگاری کامل بین نتایج آن ها برقرار است. به این معنا که کلیه روش هایی که به نظر

مدیران مالی در شرکت‌ها کاربرد داشتند، در بررسی میدانی و آزمون فرضیات نیز تأیید شدند و تمامی روش‌هایی که به زعم مدیران مالی کاربرد نداشتند نیز در آزمون فرضیات رد شدند.

به این ترتیب، عدم وجود اختلاف بین باور مدیران مالی و شواهد عینی، می‌تواند از یک طرف نشانگر تهیه و نگهداری شواهد و مستندات مربوط به روش‌های مورد استفاده باشد و از طرف دیگر، نشانگر باور درست و آگاهی مدیران مالی در زمینه استفاده از روش‌ها در شرکت‌هایشان باشد.

جدول ۲: نتایج نظرخواهی در مورد کاربرد روش‌ها - مبنای ۴۵ پرسشنامه

پاسخ‌های منفی		پاسخ‌های مثبت		فرضیات
درصد %	فراوانی	درصد %	فراوانی	
۴/۴	۲	۹۵/۶	۴۳	صورت‌های مالی مقایسه‌ای
۱۳/۳	۶	۸۶/۷	۳۹	بررسی روند
۹۷/۸	۴۴	۲/۲	۱	صورت‌های مالی همگن شده
۲۶/۷	۱۲	۷۳/۳	۳۳	تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی
۳۷/۸	۱۷	۶۲/۲	۲۸	دوره بازیافت سرمایه
۹۷/۸	۴۴	۲/۲	۱	معکوس دوره بازیافت سرمایه
۶۸/۹	۳۱	۳۱/۱	۱۴	نرخ بازده حسابداری
۷۷/۸	۳۵	۲۲/۲	۱۰	ارزش فعلی خالص
۸۰	۳۶	۲۰	۹	نرخ بازده داخلی
۸۸/۹	۴۰	۱۱/۱	۵	تجزیه و تحلیل حساسیت
۶۴/۴	۲۹	۳۵/۶	۱۶	حسابرسی طرح
۱۵/۶	۷	۸۴/۴	۳۸	افزایش سرمایه
۲۰	۹	۸۰	۳۶	استقراض (به طور اعم)
۱۰۰	۴۵	۰	۰	اوراق مشارکت (به طور اخص)
۸۴/۴	۳۸	۱۵/۶	۷	عقد مضاربه با شرکت‌های دیگر

۹. شناسایی میزان اهمیت روش‌ها

در راستای تعیین میزان اهمیت هر یک از روش‌های مدیریت مالی نیز نظرخواهی انجام شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. بر اساس نتایج حاصله به ترتیب، صورت‌های مالی مقایسه‌ای و افزایش سرمایه، به عنوان روش‌های «با اهمیت» در رتبه اول قرار گرفتند. روش‌های بررسی روند، تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی، دوره بازیافت سرمایه و استقراض به عنوان روش‌های «به نسبت با اهمیت»، در رتبه دوم قرار گرفتند. روش‌های نرخ بازده حسابداری، ارزش فعلی خالص، نرخ بازده داخلی، تجزیه و تحلیل حساسیت و حسابرسی طرح به عنوان روش‌های «کم اهمیت» رتبه بندی شدند. سرانجام صورت‌های مالی همگن شده، معکوس دوره بازیافت سرمایه، انتشار اوراق مشارکت و عقد مضاربه با شرکت‌های دیگر به عنوان روش‌های «بی‌اهمیت» طبقه‌بندی شدند.

قابل توجه این که نتایج آزمون فرضیات با نتایج نظرخواهی در مورد «میزان اهمیت» روش‌ها به طور کامل همخوانی دارد. یعنی که روش‌هایی که کاربرد آن‌ها مورد تأیید قرار گرفته است، در نظرخواهی رتبه «با اهمیت» و «به نسبت با اهمیت» را کسب نموده‌اند و روش‌هایی که کاربرد آن‌ها تأیید نشده، در نظرخواهی نیز رتبه «کم‌اهمیت» و یا «بی‌اهمیت» را به دست آورده‌اند.

جدول ۳: بررسی اهمیت روش ها - مبنا ۱۰۶ پرسشنامه دریافتی

شرح	میانگین	میان	نما	انحراف معیار
صورت‌های مالی مقایسه‌ای	۳/۹۲	۴	۵	۱/۱۲
بررسی روند	۳/۴۶	۴	۴	۱/۲۷
صورت‌های مالی همگن شده	۱/۴۳	۱	۱	۰/۹۶
تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی	۲/۸۰	۳	۳	۱/۲۵
معکوس دوره بازافت سرمایه	۱/۳۷	۱	۱	۰/۹۳
نرخ بازده حسابداری	۱/۹۹	۱	۱	۱/۳۷
ارزش فعلی خالص	۱/۹۶	۱	۱	۱/۴۱
نرخ بازده داخلی	۲/۰۱	۱	۱	۱/۴۱
تجزیه و تحلیل حساسیت	۱/۵۸	۱	۱	۱/۱۲
حسابرسی طرح	۱/۹۳	۱	۱	۱/۲۴
افزایش سرمایه	۳/۶۰	۴	۵	۱/۴۱
استقراض (به طور اعم)	۳/۲۷	۴	۴	۱/۴۰
اوراق مشارکت (به طور اخص)	۱	۱	۱	۰
عقد مضاربه با شرکت‌های دیگر	۱/۲۹	۱	۱	۰/۷۴

همچنین به منظور پی بردن به متغیرهای زیر بنایی و خلاصه مجموعه روش ها، از آزمون تحلیل عاملی استفاده شد و به ازای هر روش یک متغیر شناسایی گردید. از آن جایی که روش تجزیه و تحلیل نسبت های مالی، همراه با اجزای تشکیل دهنده آن یعنی نسبت های نقدینگی، اهرم مالی، فعالیت و سود آوری مورد بررسی قرار گرفت، تعداد متغیرهای مورد بررسی به ۱۹ مورد افزایش یافت و متغیرها، به ترتیب از eq_1 تا eq_{19} نامگذاری شدند. در این آزمون، از روش های «تحلیل مؤلفه های اصلی^{۱۰}» و «راستنمایی ماکزیم^{۱۱}» استفاده شد. این آزمون ها ابتدا در مورد ۱۰۶ پرسشنامه دریافتی انجام شد که طبق آن، در روش تحلیل مؤلفه های اصلی ۵ عامل و در روش راستنمایی بالاترین ۴ عامل شناسایی گردید. سپس با استفاده از توزیع برنولی، جامعه به طور تصادفی، به دو قسمت تقسیم گردید. سپس روش تحلیل مؤلفه های اصلی و راستنمایی بیشترین اندازه در مورد دو نیمه به طور مجزا انجام شد و در ادامه، حساب عامل ها در هر یک از روش ها رسم گردید. در این ترسیم، عامل ها دو به دو، با یکدیگر مقایسه شده اند و براساس نتایج حاصل، وجود روند برای عامل های اول و دوم، به طور کامل مشهود بود و نتایج نشان داد که این دو عامل در هر دو روش و در هر سه مبنا به طور کامل با یکدیگر سازگاری دارند و این امر بیانگر قوت عامل اول و دوم است. بر این اساس، عامل اول به طور عمده شامل تحلیل نسبت های مالی، نسبت های نقدینگی، نسبت های فعالیت، نسبت های سودآوری و نسبت های اهرم مالی بود. از این رو عامل اول «تجزیه و تحلیل نسبت های مالی» نامیده شد. عامل دوم که در اصل شامل دوره بازافت سرمایه، معکوس دوره بازافت سرمایه، نرخ بازده حسابداری، ارزش فعلی خالص، نرخ بازده داخلی، تجزیه و تحلیل حساسیت و حسابرسی طرح بود؛ به عنوان «تجزیه و تحلیل تصمیم های سرمایه گذاری بلند مدت» نامگذاری شد. به این ترتیب عامل های اول و دوم که مهمترین عامل ها بودند، توانستند تعداد ۱۲ متغیر را به نحو شایسته ای تبیین نمایند. اما عامل های بعدی دارای مفهوم خاصی نبود و دست بندی های انجام شده، با انتظارات سازگاری نداشت. نتایج به صورت مقایسه ای در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: مقایسه روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و روش راستنمایی ماکزیمم (متغیر: روش - مینا ۱۰۶ پرسشنامه)

روش راستنمایی ماکزیمم	روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی
عامل اول - F₁	عامل اول - F₁
eq _۴ - تحلیل نسبت‌های مالی.	eq _۴ - تحلیل نسبت‌های مالی.
eq _۶ - نسبت های اهرم مالی.	eq _۶ - نسبت های اهرم مالی.
eq _۵ - نسبت‌های نقدینگی.	eq _۵ - نسبت‌های نقدینگی.
eq _۷ - نسبت‌های فعالیت.	eq _۷ - نسبت‌های فعالیت.
eq _۸ - نسبت‌های سودآوری.	eq _۸ - نسبت‌های سودآوری.
عامل دوم - F₂	عامل دوم - F₂
eq _{۱۲} - نرخ بازده داخلی.	eq _{۱۲} - ارزش فعلی خالص.
eq _{۱۲} - ارزش فعلی خالص.	eq _{۱۲} - نرخ بازده داخلی.
eq _{۱۴} - تجزیه و تحلیل حساسیت.	eq _{۱۰} - معکوس دوره بازافت سرمایه.
eq _{۱۱} - نرخ بازده حسابداری.	eq _{۱۴} - تجزیه و تحلیل حساسیت.
eq _۹ - دوره بازافت سرمایه.	eq _۹ - دوره بازافت سرمایه.
eq _{۱۰} - معکوس دوره بازافت سرمایه.	eq _{۱۱} - نرخ بازده حسابداری.
eq _{۱۵} - حسابرسی طرح.	eq _۲ - صورت‌های مالی همگن شده.
eq _۲ - بررسی روند.	
eq _۳ - صورت‌های مالی همگن شده.	
eq _{۱۹} - عقد مضاربه با شرکت‌های دیگر.	
عامل سوم - F₃	عامل سوم - F₃
eq _۱ - صورت‌های مالی مقایسه‌ای.	eq _{۱۹} - عقد مضاربه با شرکت‌های دیگر.
eq _{۱۶} - افزایش سرمایه.	eq _{۱۵} - حسابرسی طرح.
عامل چهارم - F₄	عامل چهارم - F₄
eq _{۱۷} - استقراض.	eq _{۱۷} - استقراض.
	eq _۲ - بررسی روند.
عامل پنجم - F₅	عامل پنجم - F₅
	eq _{۱۶} - افزایش سرمایه.
	eq _۱ - صورت‌های مالی مقایسه‌ای.

۱۰. شناسایی علل (موانع) عدم استفاده از روش‌ها

یکی دیگر از اهداف این تحقیق شناسایی علل (موانع) عدم استفاده از روش‌های مدیریت مالی بود و در این راستا، ۲۹ عامل که به نظر می‌رسید از عوامل محدود کننده استفاده از روش‌ها باشند، شناسایی و در پرسشنامه مورد نظرخواهی قرار گرفت. این موانع به دو گروه کلی درون سازمانی و برون سازمانی تقسیم شدند و موانع درون سازمانی، خود، شامل موانع ناشی از مدیریت، نیروی انسانی حسابداری و نظام بود. سپس از آزمودنی‌ها درخواست شد که با استفاده از معیار پنج رتبه‌ای لیکرت، مبادرت به سنجش اهمیت علل (موانع) پیشنهادی نمایند. نتایج آزمون میزان اهمیت این دلایل در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵: نتایج بررسی علل (موانع) عدم استفاده از روش‌ها - مینا ۱۰۶ پرسشنامه

انحراف معیار	نما	میانہ	میانگین	علل (موانع) عدم استفاده از روش‌ها
				موانع درون سازمانی:
				مدیریت:
۱/۴۰	۴	۳	۳/۱۳	۱. عدم آشنایی مدیران با مفاهیم، روش‌ها و اهمیت کاربرد آن‌ها.
۱/۳۴	۱	۲	۲/۳۳	۲. اعتقاد مدیران در مورد مقرون به صرفه نبودن به کارگیری روش‌ها.
۱/۴۳	۳	۳	۳/۱۰	۳. عدم توجه به اطلاعات مدیریت مالی در تصمیم‌گیری‌ها.
۱/۴۶	۵	۳	۳/۳۱	۴. اتکای مدیران به شیوه مدیریت مبتنی بر قضاوت شخصی.
۱/۴۰	۳	۳	۳/۰۳	۵. وجود ملاحظات غیر مربوط در تصمیم‌گیری‌ها.
۱/۴۵	۱	۳	۲/۷۵	۶. عدم توجه به مفاهیم «پاسخگویی» و «سنجش مسؤلیت» در ساختار سازمانی.
				نیروی انسانی حسابداری:
۱/۴۱	۱	۳	۲/۸۲	۱. عدم آشنایی حسابداران با مفاهیم روش‌های تحلیلی و اهمیت کاربرد آن‌ها.
۱/۳۷	۳	۳	۳/۲۹	۲. عدم به کارگیری نیروی انسانی متخصص و با تجربه جهت تحلیل اطلاعات مالی.
۱/۳۳	۱	۲	۲/۲۴	۳. نگرش منفی حسابداران نسبت به نقش اطلاع‌رسانی به مدیریت.
۱/۴۱	۱	۳	۲/۹۶	۴. عدم مشارکت حسابداران در فرآیند تصمیم‌گیری مدیریت.
				نظام:
۱/۴۰	۱	۲	۲/۱۵	۱. عدم تهیه بودجه به طور نظام مند.
۱/۴۸	۱	۳	۳/۱۷	۲. عدم اعمال کنترل‌های بودجه‌ای.
۱/۳۷	۱	۲	۲/۴۸	۳. عدم تخصیص منابع کافی جهت تحلیل اطلاعات مالی.
۱/۴۲	۱	۲	۲/۶۵	۴. عدم وجود واحدی منسجم و سازمان یافته جهت انجام تحلیل‌های مالی.
۱/۴۵	۱	۳	۲/۸۷	۵. عدم وجود پشتوانه اجرایی برای پیگیری نتایج حاصل از تحلیل اطلاعات مالی.
۱/۴۵	۱	۳	۲/۹۶	۶. عدم وجود نظام اطلاعاتی مدیریت مالی جهت ارائه اطلاعات لازم برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و کنترل.
۱/۴۱	۱	۲	۲/۴۵	۷. عدم توانایی نظام اطلاعاتی مدیریت مالی در ارائه اطلاعات مفید، کافی، مربوط و به موقع.
۱/۴۲	۱	۳	۲/۸۶	۸. عدم وجود هماهنگی و همکاری بین واحد حسابداری و دیگر واحدهای سازمان.
۱/۱۵	۱	۱	۱/۸۳	۹. پیچیدگی محاسبات تکنیک‌ها.
۱/۴۰	۱	۱	۲/۰۵	۱۰. عدم استفاده از رایانه، علیرغم حجم زیاد داده‌ها و مشکلات پردازش آن‌ها.

موانع برون سازمانی:				
۱/۵۲	۱	۳	۲/۵۸	۱. عدم وجود آموزش‌های کافی در مورد کاربرد تکنیک‌های مالی در مراکز دانشگاهی.
۱/۳۷	۱	۲	۲/۲۸	۲. عدم وجود منابع علمی کافی در ارتباط با روش‌های تجزیه و تحلیل مالی.
۱/۱۴	۱	۲	۱/۹۷	۳. عدم وجود انجمن مدیران مالی.
۱/۳۸	۱	۲	۲/۲۷	۴. عدم وجود استانداردهای پذیرفته شده حسابداری.
۱/۵۳	۱	۳	۳/۱۵	۵. عدم وجود اطلاعات در مورد سازمان‌های مشابه و شاخص‌های کلان.
۱/۳۷	۵	۴	۳/۷۱	۶. شرایط تورمی و عدم ثبات ارزش پول که بر محتوای اطلاعات حسابداری اثر می‌گذارد.
۱/۵۴	۱	۳/۳۳	۳	۷. وجود پاره‌ای ویژگی‌ها که از ماهیت مالکیت دولتی نشأت گرفته است.
۱/۵۶	۱	۳	۳/۱۲	۸. عدم وجود نظارت بر عملکرد مدیران.
۱/۰۱	۱	۱	۱/۵۵	۹. رضایت‌بخش بودن وضعیت اقتصادی شرکت.

با توجه به یافته‌های تحقیق، مشخص می‌شود که فقط یک مورد به عنوان «با اهمیت»، ۱۷ مورد به عنوان «به نسبت با اهمیت» و ۱۱ مورد به عنوان «کم اهمیت» طبقه بندی شدند. چنانچه موانع بر حسب میزان اهمیت طبقه بندی شوند، به ترتیب زیر خواهند بود:

۱. شرایط تورمی و عدم ثبات ارزش پول که بر محتوای اطلاعات حسابداری اثر می‌گذارد.
۲. وجود پاره‌ای ویژگی‌ها که از ماهیت مالکیت دولتی نشأت گرفته است (مانند تولید محصولات راهبردی یا تحت حمایت).
۳. اتکای مدیران به شیوه مدیریت مبتنی بر قضاوت شخصی.
۴. عدم به کارگیری نیروی انسانی متخصص و با تجربه جهت تحلیل اطلاعات مالی.
۵. عدم اعمال کنترل‌های بودجه‌ای.
۶. عدم وجود اطلاعات، در مورد سازمان‌های مشابه و شاخص‌های کلان.
۷. عدم آشنایی مدیران با مفاهیم، روش‌ها و اهمیت کاربرد آن‌ها.
۸. عدم وجود نظارت بر عملکرد مدیران.
۹. عدم توجه به اطلاعات مدیریت مالی در تصمیم‌گیری‌ها.
۱۰. وجود ملاحظات غیرمربوط در تصمیم‌گیری‌ها (مانند تصمیم‌گیری بر مبنای روابط و نه ضوابط).
۱۱. عدم مشارکت حسابداران در فرآیند تصمیم‌گیری مدیریت.
۱۲. عدم وجود نظام اطلاعاتی مدیریت مالی جهت ارائه اطلاعات لازم برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و

کنترل.

۱۳. عدم وجود پشتوانه اجرایی برای پیگیری نتایج حاصل از تحلیل اطلاعات مالی.
۱۴. عدم وجود هماهنگی و همکاری بین واحد حسابداری و دیگر واحدهای سازمان.
۱۵. عدم آشنایی حسابداران با مفاهیم روش‌های تحلیلی و اهمیت کاربرد آن‌ها.
۱۶. عدم توجه به مفاهیم «پاسخگویی» و «سنجش مسؤلیت» در ساختار سازمانی.
۱۷. عدم وجود واحدی منسجم و سازمان یافته جهت انجام تحلیل‌های مالی.
۱۸. عدم وجود آموزش‌های کافی در مورد کاربرد روش‌های مالی در مراکز دانشگاهی.
۱۹. عدم تخصیص منابع کافی جهت تحلیل اطلاعات مالی.

۲۰. عدم توانایی نظام اطلاعاتی مدیریت مالی در آرایه اطلاعات مفید، کافی، مربوط و به موقع.
۲۱. اعتقاد مدیران در مورد مقرون به صرفه نبودن به کارگیری روش‌ها.
۲۲. عدم وجود منابع علمی کافی در ارتباط با روش‌های تجزیه و تحلیل مالی.
۲۳. عدم وجود معیارهای پذیرفته شده مدیریت مالی.
۲۴. نگرش منفی حسابداران نسبت به نقش اطلاع رسانی به مدیریت.
۲۵. عدم تهیه بودجه به طور نظام‌مند.
۲۶. عدم استفاده از رایانه، علیرغم حجم زیاد داده‌ها و مشکلات پردازش آن‌ها.
۲۷. عدم وجود انجمن مدیران مالی.
۲۸. پیچیدگی محاسبات روش‌ها.
۲۹. رضایت بخش بودن وضعیت اقتصادی شرکت در مقایسه با سایر شرکت‌ها، به گونه‌ای که نیاز به استفاده از روش‌ها احساس نمی‌شود.

بدین ترتیب مشخص می‌شود که وجود شرایط تورمی و ویژگی‌های نشأت گرفته از ماهیت مالکیت دولتی و اتکای بیش از حد مدیران به قضاوت‌های شخصی، از مهمترین موانع استفاده از روش‌های مدیریت مالی است.

افزون بر این، به منظور تلخیص داده‌های حاصل از پرسش‌های پرسشنامه و شناسایی متغیرهای زیر بنایی در مورد علل (موانع) عدم استفاده از روش‌ها از آزمون تحلیل عاملی استفاده شد. در این آزمون برای هر مانع یک متغیر شناسایی گردید که ۲۰ متغیر مربوط به موانع درون سازمانی ($Q_1 - Q_{20}$) و ۹ متغیر مربوط به موانع برون سازمانی ($P_1 - P_9$) نامگذاری شد. سپس روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و رَاستنمایی ماکزیمم بر مبنای ۱۰۶ پرسشنامه انجام شد که نتایج به صورت مقایسه‌ای در جدول ۶ آرایه شده است.

بر اساس نتایج حاصل در هر دو روش، ۵ عامل شناسایی گردید. سپس، با استفاده از روش برنولی ۱۰۶ پرسشنامه به طور تصادفی به دو نیمه تقسیم شد و روش‌های تحلیل مؤلفه‌های اصلی و رَاستنمایی ماکزیمم برای هر نیمه به طور مجزا انجام شد. در ادامه، با رسم حساب عامل‌ها برای ۱۰۶ پرسشنامه و دو نیمه آن، مشخص گردید که بین هیچ یک از عوامل همبستگی وجود ندارد. در مرحله بعدی، عامل‌های دو روش علیه یکدیگر رسم شدند که در هر دو روش، سه عامل اولیه به طور کامل با یکدیگر سازگاری داشتند؛ ولی در مورد عامل ۴ و ۵ تردید وجود داشت. از آن جایی که روش رَاستنمایی ماکزیمم مبنای دقیق تری است و یافته‌های آن با انتظارات ما سازگاری دارد؛ این روش به عنوان مبنای شناسایی عوامل به کار رفت و ۵ عامل شناسایی شده به ترتیب عبارتند: از موانع سیستمی، مشکلات نیروی انسانی و عوامل رفتاری، موانع برون سازمانی، موانع ناشی از سیاست‌ها و قوانین دولتی و سرانجام موانع محاسباتی که دو عامل اول در مقایسه با دیگر عوامل از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

جدول ۶: مقایسه روش تحلیلی مؤلفه های اصلی و روش راستنمایی ماکزیمم
(متغیر: موانع - مبنا ۱۰۶ پرسشنامه)

روش راستنمایی ماکزیمم	روش تحلیل مؤلفه های اصلی
عامل اول - F₁	عامل اول - F₁
Q ₁₅ - عدم وجود پشتوانه اجرایی...	Q ₁₅ - عدم وجود پشتوانه اجرایی...
Q ₁₆ - عدم وجود نظام اطلاعاتی...	Q ₁₆ - عدم وجود نظام اطلاعاتی...
Q ₁₄ - عدم وجود واحدی منسجم...	Q ₁₄ - عدم وجود واحدی منسجم...
Q ₁₇ - عدم توانایی نظام...	Q ₁₀ - عدم مشارکت حسابداران...
Q ₁₀ - عدم مشارکت حسابداران...	P ₅ - عدم وجود اطلاعات سازمان های مشابه...
P ₅ - عدم وجود اطلاعات سازمان های مشابه...	Q ₁₇ - عدم توانایی نظام...
Q ₁₃ - عدم تخصیص منابع کافی...	Q ₁₃ - عدم تخصیص منابع کافی...
Q ₁₈ - عدم وجود هماهنگی و همکاری...	Q ₁₈ - عدم وجود هماهنگی و همکاری...
Q ₁₂ - عدم اعمال کنترل های بودجه ای...	
عامل دوم - F₂	عامل دوم - F₂
Q ₃ - عدم توجه به اطلاعات حسابداری...	Q ₇ - عدم آشنایی حسابداران...
Q ₁ - عدم آشنایی مدیران...	Q ₁ - عدم آشنایی مدیران...
Q ₄ - اتکای مدیران به قضاوت شخصی...	Q ₂ - عدم توجه به اطلاعات حسابداری...
Q ₂ - اعتقاد مدیران در مورد مقرون به صرفه...	Q ₄ - اتکای مدیران به قضاوت شخصی...
Q ₈ - عدم به کارگیری نیروی انسانی...	Q ₈ - عدم به کارگیری نیروی انسانی...
Q ₇ - عدم آشنایی حسابداران...	Q ₁₂ - عدم اعمال کنترل های بودجه ای...
عامل سوم - F₃	عامل سوم - F₃
P ₂ - عدم وجود منابع علمی...	P ₂ - عدم وجود انجمن...
P ₂ - عدم وجود انجمن...	P ₂ - عدم وجود منابع علمی...
P ₁ - عدم وجود آموزش های کافی...	P ₁ - عدم وجود آموزش های کافی...
P ₄ - عدم وجود استاندارد...	P ₄ - عدم وجود استاندارد...
Q ₁₁ - عدم تهیه بودجه...	P ₉ - رضایت بخش بودن وضعیت...
P ₉ - رضایت بخش بودن وضعیت...	Q ₁₁ - عدم تهیه بودجه...
عامل چهارم - F₄	عامل چهارم - F₄
Q ₅ - وجود ملاحظات غیرمربوط...	Q ₉ - نگرش منفی حسابداران...
P ₇ - ویژگی مالکیت دولتی...	Q ₂₀ - عدم استفاده از رایانه...
P ₈ - عدم وجود نظارت بر عملکرد...	Q ₁₉ - پیچیدگی محاسبات...
P ₆ - شرایط تورمی...	Q ₂ - اعتقاد مدیران در مورد مقرون به صرفه...
	Q ₆ - عدم توجه به مفاهیم «پاسخگویی»...
عامل پنجم - F₅	عامل پنجم - F₅
Q ₂₀ - عدم استفاده از رایانه...	P ₇ - ویژگی مالکیت دولتی...
Q ₁₉ - پیچیدگی محاسبات...	P ₆ - شرایط تورمی...
Q ₆ - عدم توجه به مفاهیم «پاسخگویی»...	Q ₅ - وجود ملاحظات غیرمربوط...

۱۱. پیشنهادهای زمینه ساز برای به کارگیری روش‌ها

همان‌گونه که در پیش نیز اشاره شد، به دنبال شناسایی علل یا موانع عدم استفاده از روش‌ها، گام بعدی تعیین شرایط لازم جهت ایجاد زمینه مساعد برای به کارگیری روش‌ها بود. برای این منظور، موانع، شناسایی شده و درجه اهمیت آن‌ها حاصل از پرسشنامه‌ها، رهنمودهای لازم را برای ایجاد زمینه مساعد برای به کارگیری روش‌ها فراهم نمود. از این رو پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد.

۱. بر اساس یافته‌های این تحقیق، عدم کارایی روش‌ها در شرایط تورمی، اولین مانع استفاده از روش‌ها شناسایی شده است؛ یعنی به علت وجود تورم، پیوند ساختاری و معنی دار صورت‌های مالی مخدوش شده و امکان تجزیه و تحلیل منطقی و استنتاج را سلب نموده است. پس به منظور کارا نمودن روش‌های تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، پیشنهاد می‌شود صورت‌های مالی تعدیل شده، بر اساس سطح عمومی قیمت‌ها یا ارزش‌های جاری، به عنوان صورت‌های مالی مکمل تهیه شوند تا استفاده کنندگان بتوانند بر اساس اطلاعات صحیح و مربوط تصمیم‌گیری کنند.
۲. در این تحقیق، یکی دیگر از مهمترین موانع استفاده از روش‌ها، ویژگی‌های ناشی از ماهیت مالکیت دولتی شناسایی شده است. زیرا تصمیم‌گیری‌های مدیران دولتی به جای این که بر پایه ضوابط اقتصادی و مالی استوار باشد، بیشتر بر اساس اهداف کلی‌تری است که سازمان‌های متبوعشان برای آن‌ها ترسیم می‌کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود، مدیران واحدهای دولتی همراه با تأمین راهکارهای عملی صادره از مقامات بالاتر، از طریق به کارگیری روش‌ها سعی در افزایش کارایی، کنترل، سود دهی، نظارت و اثر بخشی واحدهای تحت مدیریت خود داشته باشند.
۳. در خصوص مدیران، عواملی مانند اتکای بیش از حد بر قضاوت شخصی، عدم آشنایی با روش‌ها و اهمیت کاربرد آن‌ها، وجود ملاحظات غیرمربوط در تصمیم‌گیری‌ها به عنوان موانع به کارگیری روش‌ها شناسایی شده است. از این رو پیشنهاد می‌شود از طریق برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزشی کوتاه مدت، ضمن آشنایی با مفاهیم، کاربرد و اهمیت روش‌ها موجبات تشویق و توجیه مدیران برای به کارگیری روش‌های کمی همراه با قضاوت‌های شخصی را فراهم آورد.
۴. یکی دیگر از موانع به کارگیری روش‌ها، عدم وجود اطلاعات در مورد سازمان‌های مشابه و شاخص‌های کلان است. پس ایجاد نظام‌های هماهنگ اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت شرکت‌های مشابه و میانگین صنعت توصیه می‌شود.

یادداشت‌ها

۱- منظور از واحدهای تحت پوشش دولت، به طور اخص واحدهای تحت کنترل و نظارت صنایع ملی ایران، بانک صنعت و معدن و سازمان گسترش و نوسازی ایران است که بیش از ۵۰٪ مالکیت آن‌ها متعلق به دولت می‌باشد.

2- Post- Audit

3-Field Survey

۴- شایان ذکر است که در برخی موارد، ممکن است، نمونه‌هایی وجود داشته باشند؛ ولی روش‌ها مورد استفاده قرار نرفته باشند. به عبارت دیگر، شواهد موجود جعلی باشند. در مقابل، در برخی شرایط ممکن است روش‌ها مورد استفاده قرار گرفته، لیکن شواهد نمونه‌ها تهیه نشده باشند. این مشکل که نارسایی ذاتی روش مندل آزمون‌های میدانی است، راه حل مناسبی ندارد. پس فقط می‌توان از آن به عنوان محدودیت تحقیق نام برد.

5- GAP

6- Split- Half.

7- Alpha- Cronbach

8- Binomial

9- Factor Analysis

10- Principal component analysis

11- Maximum Likelihood (ML)

منابع

- Arnold, G. (1998). **Corporate Financial Management**, Great Britain: Pitman Publishing.
- Arnold, G. and Hatzopoulos, P. (1998). **Corporate Financial Management**, Great Britain: Pitman Publishing.
- Arnold, J. and Hope, T. (1993). **Accounting for Management Decision**, Hemel Hempstead: Prentice-Hall.
- Foster, G. (1990). **Financial Statement Analysis**, (2rd Ed.), Englewood Cliffs, N.J: Prentice-Hall.
- Kim, I.W. and Song, J. (1990). *U.S. Korea & Japan Accounting Practices in Three Countries*, **Management Accounting**, Aug, 29-32.
- Neal, B. (1991). *A Revolution in Post-Completion Audit Adoption*, **Management Accounting**, Nov, 44-46.
- Pike, R. (1996). *A Longitudinal Survey on Capital Budgeting Practices*, **Journal of Business Finance & Accounting**, Jan, 79-91.
- Rajan, R.G. and Zingales, L. (1995). *What Do We Know About Capital Structure? Some Evidence from International Data*, **The Journal of Finance**, Dec, 1421-1459.
- Singh, A. (1995). *That's the Way the Money Comes*, **The Economist**, Nov, 134.

پرستشنامه

بخش ۱

اطلاعات عمومی

خواهشمند است به موارد زیر پاسخ دهید.

اطلاعات فردی پاسخ دهنده:

۱. آخرین مدرک تحصیلی: الف. دیپلم ب: کارشناسی ج: کارشناسی ارشد د: دکتری
سایر، لطفاً ذکر فرمایید:
۲. رشته تحصیلی: الف. حسابداری ب. مدیریت مالی ج. مدیریت د. اقتصاد
سایر، لطفاً ذکر فرمایید:

اطلاعات شرکت:

- موضوع اصلی فعالیت شرکت چیست؟.....
- شرکت در چه شاخه ای از صنعت فعالیت دارد؟.....
- تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت چند نفر است؟.....
- تعداد اعضای غیر موظف هیأت مدیره شرکت چند نفر است؟.....
- تعداد پرسنل مالی شرکت چند نفر است؟.....
- حجم ریالی تقریبی فروش ناخالص شرکت چه میزان می باشد؟.....

بخش ۲

موارد استفاده از روش های تحلیلی و سطح اهمیت آنان

خواهشمندیم با استفاده از پاسخ «بلی» و «خیر» موارد استفاده از هر یک از روش های تحلیلی زیر را مشخص فرمایید. سپس با استفاده از معیار فراهم شده، اعتقاد شخصی خویش را در رابطه با «اهمیت» هر یک از موارد بیان فرمایید.

	۱	۲	۳	۴	۵	
						بسیار با اهمیت
						نسبتاً با اهمیت
						کم اهمیت
						بی اهمیت
						میزان اهمیت
						بسیار با اهمیت
						بی اهمیت
الف. کدام یک از روش های زیر در پیش بینی مالی مورد استفاده قرار می گیرد؟						
• صورت های مالی مقایسه ای	۱	۲	۳	۴	۵	
• بررسی روند	۱	۲	۳	۴	۵	
• صورت های مالی همگن شده (صورت های مالی که در آن ها مبالغ فقط به صورت در صد بیان می شوند مثال: وجوه نقد بر مبنای درصد کل دارایی ها)						
• ۱. بلی						
• ۲. خیر						
• تحلیل نسبت های مالی	۱	۲	۳	۴	۵	
• نسبت های نقدینگی	۱	۲	۳	۴	۵	
• نسبت های اهرم مالی	۱	۲	۳	۴	۵	
• نسبت های فعالیت	۱	۲	۳	۴	۵	
• نسبت های سودآوری	۱	۲	۳	۴	۵	
ب. کدامیک از روش های زیر در ارزیابی طرح های سرمایه گذاری بلند مدت مورد استفاده قرار می گیرد؟						
• دوره بازیافت سرمایه	۱	۲	۳	۴	۵	
• معکوس دوره بازیافت سرمایه	۱	۲	۳	۴	۵	
• نرخ بازده حسابداری	۱	۲	۳	۴	۵	

۵	۴	۳	۲	۱	• ارزش فعلی خالص	۱. بلی	۲. خیر
۵	۴	۳	۲	۱	• نرخ بازده داخلی	۱. بلی	۲. خیر
۵	۴	۳	۲	۱	• تجزیه و تحلیل حساسیت	۱. بلی	۲. خیر
۵	۴	۳	۲	۱	• حسابرسی طرح	۱. بلی	۲. خیر

ج. کدامیک از روش‌های زیر در تأمین مالی بلند مدت شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

۵	۴	۳	۲	۱	• افزایش سرمایه	۱. بلی	۲. خیر
۵	۴	۳	۲	۱	• استقراض (به طور اعم)	۱. بلی	۲. خیر
۵	۴	۳	۲	۱	• انتشار اوراق مشارکت (به طور اخص)	۱. بلی	۲. خیر
۵	۴	۳	۲	۱	• عقد مضاربه با شرکت های دیگر	۱. بلی	۲. خیر

بخش ۳

علل (موانع) عدم استفاده از روش های تحلیلی

خواهشمند است در صورت عدم استفاده از روش های مطرح شده در بخش دوم، دیدگاه شخصی خود را در رابطه با «اهمیت» هر یک از موارد پیشنهادی زیر مشخص فرمایید.

۱	۲	۳	۴	۵		
بسیار با اهمیت					میزان اهمیت	بسیار با اهمیت
کم اهمیت						
۱	۲	۳	۴	۵	•	•
موانع درون سازمانی:						
مدیریت:						
۱	۲	۳	۴	۵	۱	۵
۱. عدم آشنایی مدیران با مفاهیم، روش ها و اهمیت کاربرد آن‌ها.						
۲. اعتقاد مدیران در مورد مقرون به صرفه نبودن به کارگیری روش‌ها.						
۳. عدم توجه به اطلاعات مدیریت مالی در تصمیم گیری‌ها.						
۴. اتکای مدیران به شیوه مدیریت مبتنی بر قضاوت شخصی.						
۵. وجود ملاحظات غیر مربوط در تصمیم گیری‌ها (مثال، تصمیم گیری بر مبنای روابط و نه ضوابط).						
۶. عدم توجه به مفاهیم «پاسخگویی» و «سنجش مسؤولیت» در ساختار سازمانی.						
گادر حسابداری:						
۱	۲	۳	۴	۵	۱	۵
۱. عدم آشنایی حسابداران با مفاهیم روش های تحلیلی و اهمیت کاربرد آنان.						
۲. عدم به کارگیری نیروی انسانی متخصص و یا تجربه جهت تحلیل اطلاعات مالی.						
۳. نگرش منفی حسابداران نسبت به نقش اطلاع رسانی به مدیریت.						
۴. عدم مشارکت حسابداران در فرآیند تصمیم گیری مدیریت.						
نظام:						
۱	۲	۳	۴	۵	۱	۵
۱. عدم تهیه بودجه به طور نظاماتیک.						
۲. عدم اعمال کنترل‌های بودجه‌ای.						
۳. عدم تخصیص منابع کافی جهت تحلیل اطلاعات مالی.						
۴. عدم وجود واحدی منسجم و سازمان یافته جهت انجام تحلیل‌های مالی.						
۵. عدم وجود پیشنهاد اجرایی برای پیگیری نتایج حاصل از تحلیل اطلاعات مالی.						
۶. عدم وجود نظام اطلاعاتی مدیریت مالی جهت ارزیابی اطلاعات لازم برای برنامه‌ریزی، تصمیم گیری و کنترل.						

۷. عدم توانایی نظام اطلاعاتی مدیریت مالی در ارائه اطلاعات مفید، کافی، مربوط و به موقع.	۱	۲	۳	۴	۵
۸. عدم وجود هماهنگی و همکاری بین واحد حسابداری و دیگر واحدهای سازمان.	۱	۲	۳	۴	۵
۹. پیچیدگی محاسبات روش‌ها.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۰. عدم استفاده از رایانه، علیرغم حجم زیاد داده‌ها و مشکلات پردازش آن‌ها.	۱	۲	۳	۴	۵
موانع برون سازمانی:					
۱. عدم وجود آموزش‌های کافی در مورد کاربرد روش‌های مالی در مراکز دانشگاهی.	۱	۲	۳	۴	۵
۲. عدم وجود منابع علمی کافی در ارتباط با روش‌های تجزیه و تحلیل مالی.	۱	۲	۳	۴	۵
۳. عدم وجود انجمن مدیران مالی.	۱	۲	۳	۴	۵
۴. عدم وجود استانداردهای پذیرفته شده حسابداری.	۱	۲	۳	۴	۵
۵. عدم وجود اطلاعات در مورد سازمان‌های مشابه و شاخص‌های کلان.	۱	۲	۳	۴	۵
۶. شرایط تورمی و عدم ثبات ارزش پول که بر محتوای اطلاعات حسابداری اثر می‌گذارد.	۱	۲	۳	۴	۵
۷. وجود پاره‌ای ویژگی‌ها که از ماهیت مالکیت دولتی نشأت گرفته است (مثال، تولید محصولات راهبردی یا تحت حمایت).	۱	۲	۳	۴	۵
۸. عدم وجود نظارت بر عملکرد مدیران.	۱	۲	۳	۴	۵
۹. رضایت بخش بودن وضعیت اقتصادی شرکت، در مقایسه با سایر شرکت‌ها، به گونه‌ای که نیاز به استفاده از روش‌ها احساس نمی‌شود.	۱	۲	۳	۴	۵
خواهشمند است سایر موارد را بر مبنای اولویت ذکر فرمایید.					

مستدعی است پرسشنامه تکمیل شده را با استفاده از پاکت پیوست عودت فرمایید. متشکرم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی